

پیام نهفته در سرشت نامه سرگشاده ملی مذهبی ها به فقیه خامنه ای در باره مذاکره با آمریکا

01/25/2013

کامبیز باسطوت

سیاست پیشه هائی که به نام اسلام سیاسی ملی شناخته میشوند و در حاکم کردن حکومت حزب الله بر مردم ایران نقش بنیادی بازی کرده اند در بیانیه ای که بر فرض نامعین اقدام خامنه ای به مذاکره با آمریکا بنا شده است گسترده باورهای سیاسی این گروه را در باره رژیم جمهوری اسلامی و آمریکا و جهان بینی کلی آنها را آشکار میکند. اسلامی های ملی از جایگاه تسلیم شدگان به حکومت فقهائی دیکتاتوری جنایتکار خامنه ای با او وارد گفتگو میشوند. اینطور که بنظر میرسد از دیدگاه ملیگراهای اسلام سیاسی جنایت های حکومت اسلامی سزاوار گذشت است و نیاز به مطرح کردن ندارد و نگرانی آنها در این است که حکومت جمهوری اسلامی از دیدگاه آنها در موضع ضعف با آمریکا وارد مذاکره نشود. با اینکه در این بیانیه ملی مذهبی ها بارها از مذاکره با آمریکا حرف میزنند هرگز نمیگویند مشخصاً این مذاکرات در باره چه اختلاف هائی است.

برای کوشندگان سیاسی آشکار است که سیاست های توسعه طلبانه جهانی و منطقه ای حکومت اسلامی از قبیل ایجاد و گرداندن نیروی رزمی حزب الله در لبنان و فلسطین به کمک رژیم اسد در سوریه، گسترش نفوذ خود در عراق و افغانستان، خریدن متحد ضد آمریکائی در آمریکای جنوبی و آفریقا، شعله ور کردن آتش اختلاف شیعه و سنی در کشورهای عربی، تلاش پیوسته برای دست یافتن به بمب اتمی، تهدید پیوسته اسرائیل به نابودی، و زیر پا گذاشتن حقوق بشر مردم ایران دلیل های اختلاف آمریکا با حکومت جمهوری اسلامی است. میتوان از اسلامی های سیاسی ملی پرسید موضع ضعف یا توانا کدام یک از این تهاجم ها را میتواند ضمانت کند که ادامه پیدا نکند؟ کدام یک از این برنامه های حکومت جمهوری اسلامی نیاز به موضع توانمندی دارد که این گروه نگران است موضع ضعف جمهوری اسلامی به منافع ملی مردم ایران آسیب برساند؟

حکومت جمهوری اسلامی همانقدر که در حق مردم آزادیخواه ایران جنایتکار است به همان میزان یک جنایتکار فاشیست اسلامی در جهان است. از دیدگاه گردانندگان جمهوری اسلامی داشتن بمب اتمی تمام مواضع ضعف آنها را جبران خواهد کرد. بنابراین جای شگفتی است که سرکوب شدگان ملی مذهبی تسلیم شده و مطیع اسلام فقهائی سیاسی نگران مواضع ضعف رژیم حکومت اسلامی در مذاکره با آمریکا هستند.

در این بیانیه ملی مذهبی ها بخوبی و آشکار نشان میدهند که با آمریکا و متحدانش مشکلی جدی دارند و مانند گردانندگان حکومت جمهوری اسلامی آمریکا را یک کشور امپریالیستی سرمایه داری و بنابراین یک شیطان بزرگ که در پی گرفتن امتیاز از ایران است ترسیم میکنند. از دیدگاه این گروه دمکراسی آمریکا "البته همان دمکراسی تعریف شده و کنترل و هدایت شده ی آمریکا... است". استدلال بنیادی این گروه در باره مذاکره با آمریکا بر این پایه بنا شده است که چون حکومت جمهوری اسلامی هنوز گرفتار جنبش مردمی انتخابات تقلبی 1388 و سرکوب گسترده مردم آزادیخواه دمکرات است و از جهت داخلی پایگاه مردمی خود را از دست داده است، برای اینکه بتواند از یک موضع نیرومند با آمریکا وارد مذاکره بشود باید دست به این اقدامات بزند" تا انتخابات رئیس جمهور در یک انتخابات آزاد وارد مذاکره با آمریکا نشود، غنی سازی اورانیوم را تا انتخابات متوقف کند بعلاوه توضیحاتی که در این رابطه میدهد، کلیه زندانیان سیاسی، فرهنگی، رسانه ای، حقوقی، کارگری و بازداشت شونندگان قبل و بعد از 88 آزاد شوند، فعالیت احزاب، نهادهای فرهنگی، مدنی و... آزاد شود و فضای امنیتی- نظامی کنونی به فضای دمکراتیک و همدلی ملی تبدیل شود، پس از انتخابات رئیس جمهور، تعامل با آمریکا خلاقانه شروع شود تا با پشتوانه مردمی و روند دمکراتیزاسیون بتوان از منافع ملی، دفاع کرد و شرایطی امن، دمکراتیک و همدلی بین ملت-حکومت ایجاد کرد."

تمام پیشنهاد های این گروه در چارچوب اعلان شده برای هر کوشنده سیاسی دمکراتی معقول و پذیرفتنی است، لیکن مشکل در این است که این گروه و دیگر کسانی که بنام اصلاح طلب های اسلامی معروفند و سال هاست که همین پیشنهاد ها را میدهند تنها با آن عمر مردم آزادیخواه و دمکرات ایران را بدنبال سرابی سیاسی تلف میکنند و عملاً ادامه حکومت اسلامی را امکان پذیر میکنند. این گروه اسلام گراهای سیاسی که برای آیت الله ها حق آدم کشی زیر کلمه فتوا قائل اند و گذشت بینهایتی برای آدمکشی های اسلام سیاسی فاشیست دارند هدفشان پذیرش تسلیم شدن سکولار دمکرات ها در برابر اسلام سیاسی است. و بهر ترتیب در نهایت از اقتدار اسلام سیاسی برای سرکوب غیر مسلمان ها و سکولارها راضی هستند و بدترین حکومت اسلامی را به بهترین حکومت سکولار دمکرات ترجیح میدهند و اثبات آن هم در سیاستی است که در پیش گرفته اند که در هر صورت بقای یک حکومت اسلامی را ضمانت میکند و در جوهر خود ضد دمکراسی و آزادی است. و دشمنی با آمریکا و نگرانی آنها برای در موضع ضعف بودن

جمهوری اسلامی در مذاکره با آمریکا را با این استدلال میتوان درک کرد. برای سکولار دمکرات های آزادیخواه اگر انتخاب بین تسلیم شدن به اسلام فاشیست سیاسی و جنگیدن با آن است، جنگیدن با اسلام سیاسی انتخاب جذاب و شرافتمندانه ای است

البته در این بیانه خواننده با ترسیم احتمال روزگار سیاه برای جمهوری اسلامی در صورت جنگ مانند لیبی و سوریه نیز روبرو میشود که ظاهراً ابزار ترساندن مقامات حکومت دیکتاتوری فقهاتی است. آشکار است که نویسندگان قصد نجات جمهوری اسلامی را دارند و با تحلیل خود میخواهند نشان دهند که حکومت جمهوری اسلامی برای بقای خود باید پیشنهاد آنها را بپذیرد و در غیر اینصورت به سرنوشت سایر دیکتاتورهای خاور میانه مانند صدام حسین و یا اسد و قذافی دچار خواهد شد. این گروه بهترین نمونه ای را که از نیرومندی یک رئیس جمهور مردمی به آن اشاره میکنند دوران محمد خاتمی است و بعقیده آنها در آن دوران جمهوری اسلامی از انزوای سیاسی جهانی خارج شده بود.

اسلامی های سیاسی ملی به هفته اول گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا بعنوان زمان مناسب برای مذاکره اشاره میکنند نه محکومیت این قانون شکنی آشکار جهانی و همچنین آنها قرار داد الجزیره را محکوم میکنند. هر ایرانی ملی و معقولی از اینکه پول های مردم ایران به امانت در دست آمریکا مانده است و دست گردانندگان جمهوری اسلامی به آنها نمیرسد تا در فلسطین و سوریه و دیگر مکان ها جهان برای اهداف فاشیستی اسلامی خود خرج کنند خوشحال اند و همچنین مطمئن هستند که تمام آن پول ها و قتیکه یک حکومت دمکراسی ملی در ایران تشکیل شود به مردم ایران بازگردانده خواهد شد. چنین قاعده ای همچنین در مورد نفت ایران نیز صادق است منافع مردم ایران با وجود حکومت اسلامی در این است که بهتر است نفت ایران در زیر خاک بماند تا اینکه استخراج و صادر شود و پول آن در اختیار حزب الله قرار گیرد تا مردم ایران را بیشتر به زنجیر بردگی اسلام سیاسی بکشد و خرج آتش افروزی در خاور میانه و جهان بکند. ملی مذهبی ها اظهار ناراحتی میکنند که قرار داد الجزیره آمریکا را برای شرکت در کودتای 28 مرداد تبرئه میکنند. در صورتیکه تحقیقات تاریخورزانه جدید و آزاد از ادبیات کمونیستی و حزب اللهی ثابت کرده است که جنبش خیابانی مردم که از دو گروه اسلامی ها و پادشاهی خواهان تشکیل شده بود و وزنه اسلامی ها به رهبری آیت الله کاشانی در این شورش خیابانی خیلی بیشتر از پادشاهی خواهان بود دولت مصدق را سرنگون کرد. در 32 اتحاد پادشاهی خواهان و اسلامی های سیاسی کمونیست ها و جبهه ملی را شکست داد، در حالیکه در انقلاب 57 اتحاد اسلام سیاسی، کمونیست ها و جبهه ملی حکومت پادشاهی را سرنگون کرد.

نویسندگان بیانه به شرایط بد اقتصادی ایران زیر حکومت جمهوری اسلامی اشاره میکنند و از تأثیر مرگبار تحریم های اقتصادی جهانی بر ضد جمهوری اسلامی یاد میکنند که عملاً اقتصاد متکی به فروش نفت ایران را ویران کرده است. باید توجه داشت که موضوع های مذاکره با آمریکا و به بنیست کشیده شدن آنها که تلاش جمهوری اسلامی برای دست یافتن به بمب اتمی در رأس آنها هست عامل این تحریم ها هستند. شاید بهمین خاطر است که آنها توقف غنی کردن بیدرنگ اورانیم را از حکومت جمهوری اسلامی خواستارند. بی ارزش شدن پول ایران تا حد 300% نتیجه مستقیم تحریم خرید نفت است که پشتوانه ریال بود و دولت با خرید ریال با دلار قیمت آنرا ثابت نگهداشته بود. بی ارزش شدن ریال منجر به گرانی نیازمندی های مردم و باعث ایجاد نارضایتی های بیشتر در میان مردم شده است. بعقیده ملی مذهبی های اسلامی در این شرایط حکومت اسلامی از موضع ضعف وارد مذاکره با آمریکا میشود. ما نباید فراموش کنیم که در نهایت مردم هر کشوری مسئول حکومتی هستند که اجازه میدهند آنها را در خانواده کشور های جهان نمایندگی کند. و در نهایت نارضایتی مردم ایران از حکومت اسلام سیاسی و تحت فشار بودن آنها تحت این حکومت باید منجر به انقلاب مردمی آزادیخواهانهای بشود که حکومت حزب الله را در ایران سرنگون کند و یک حکومت سکولار دمکراتی را بر کشور حاکم کند. راه نجات مردم آزادیخواه ایران از چنگال استبداد آدمکشان اسلام سیاسی سرنگون کردن حکومت جمهوری اسلامی با اتکا به روان آزادیخواهانه و دمکراسی انقلاب مشروطیت است. اصلاح طلبان اسلامی جمهوری اسلامی بعد از سی چهار سال باید هدفشان برای مردم آزادیخواه و سکولار دمکرات روشن شده باشد که برنامه آنها یک سراب سیاسی است و هدف واقعی آن ادامه حکومت اسلامی است. پیام نهفته در بیانه عزالدین ملی مذهبی ها به فقیه خامنه ای کشاندن سکولار دمکرات های آزادیخواه و ملی به دنبال یک سراب سیاسی است که تنها عمر حکومت اسلامی را بدراز میکشاند.